

# اسرار و معارف

## حج



# مقصود تویی

سیدعلی قاضی عسگر



## مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه

هر یک از عبادات، راز و رمزی دارد که دستیابی به ثمرات شیرین و ارزشمند آنها، جز با فهم و درک صحیح آن رموز میسر نیست. حج خانه خدا نیز از زمره همین عبادات است. حاجیان از فرسنگها راه با دشواریها و سختیهای فراوان و هزینههای سنگین، به سرزمین وحی آمده، با حضور در میقات، لباس و پوشش معمولی خود را از تن بدر می‌کنند و با پوشیدن دو جامهٔ احرام و گفتن لبیک، محرم شده، به مکه می‌آیند و گرداگرد خانهٔ کعبه به طواف می‌پردازند. نماز طواف می‌خوانند. از صفا به مروه می‌روند و بازمی‌گردند و در این مسیر گاهی عادی و گاهی تند می‌روند. پس از آن، قدری از مو و یا ناخن را کوتاه کرده، سپس در مراسم حج تمتع، به عرفات می‌آیند. نیم روزی را آنجا می‌مانند، آنگاه حرکت کرده به مشعرالحرام می‌رسند، چند ساعتی را در آنجا بیتوته می‌کنند و با طلوع خورشید راهی منا می‌شوند. روز اول هفت سنگریزه به جمره عقبه و در روزهای بعد به هر یک از جمرات سه‌گانه، هفت سنگ می‌زنند. قربانی می‌کنند. تقصیر نموده، یا سر می‌تراشند و باز هم گرد کعبه آمده، طواف

می‌کنند و سعی صفا و مروه و طواف نساء، و آنگاه حج پایان می‌یابد و حاجی به شهر و دیار خویش بازمی‌گردد.

آیا حج که عبادت عمر است و گاهی در طول زندگی انسان، تنها یکبار توفیق تشریف حاصل می‌گردد و قبل از آن نیز بارها با خواندن این دعا: «اللهم ارزقني حج بيتك الحرام في عامي هذا وفي كل عام» به خدا التماس می‌کند تا حج نصیب او شود برای همین اعمال ظاهری است؟! آیا خداوند چنین اراده کرده است تا مسلمانان گرداگرد سنگهایی بگردند و بدون هیچگونه تغییری به موطن خود بازگردند؟! نه، هرگز چنین نیست، تمامی این رفتارها و اعمال، جنبه سمبلیک داشته، راز و رمزهای فراوانی را در خود نهفته دارد. پیشوایان معصوم برای پیشگیری از اینگونه تصوّرهای و اندیشه‌های ناصحیح، مطالب مهم و ارزشمندی بیان داشته، معارف و اسرار دریاوار هر یک را بر شمرده‌اند.

هر کس بدون توجه به اسرار و معارف این عبادت بزرگ، به اعمال و رفتار حاجیان بنگرد شاید ابتدا چنین تصوّری در ذهنش جلوه کند که: این همه زحمت و رنج و تلاش و صرف هزینه برای چه؟ و این کارها و رفتارها چه معنا و مفهومی دارد؟

ابن ابی‌العوجاء که از مشرکان سرسخت و گستاخ دوران زندگی امام صادق - ع - است با قیافه‌ای روشنفکرانه به آن حضرت می‌گوید:<sup>۱</sup>

«إلى كم تدوسون هذا البيدر؟ وتلذون بهذا الحجر وتعبدون هذا البيت المرفوع بالطوب والمدر؟ وتهرولون حوله هرولة البعير اذا نفر؟ من فكر في هذا وقدر، علم انه فعل غير حكيم ولا ذى نظر، فقل فانك رأس هذا الأمر وسنامه وأبوك أَسَه ونظامه.»<sup>۲</sup>  
 «تا به کی این خرمن را می‌کوبید و به این سنگ پناه می‌آورید، و این خانه از سنگ و گل برافراشته شده را می‌پرستید، و چونان شتران رم کرده، گرداگرد آن هروله<sup>۳</sup> می‌کنید، هر کس در این [رفتارها] اندیشه کرده، تأمل کند می‌داند که اینها، کار انسان حکیم و صاحب نظر نیست!»

سپس خطاب به امام صادق - ع - می‌گوید:

«شما که در صدر و نوک پیکان این امر قرار دارید و پدرت نیز پایه‌گذار و شکل دهنده آن بوده است، پاسخ این سخن را بازگوی.»

امام - ع - لب به سخن گشوده، به گوشه‌ای از اسرار اشارتی می‌کند و می‌فرماید:

«هذا بيت استعبد الله به خلقه ليختبر طاعتهم في اتيانه، فحجتهم على تعظيمه»

وزیارت، وجعله قبله للمصلین له، فهو شعبة من رضوانه، ویؤدی الی غفرانه...»  
 «این خانه‌ای است که خدا بوسیله آن، بندگان را به پرستش واداشت تا با آمدن به این مکان، میزان پیروی و اطاعت آنان را بیازماید. از این رو بندگان خود را به بزرگداشت و زیارت این خانه برانگیخت و آن را قبله نمازگزاران ساخت، پس کعبه مرکزی برای کسب خشنودی خداوند و راهی به سوی آموزش اوست. خداوند آن را دو هزار سال پیش از گستراندن زمین آفرید. پس سزاوارترین کسی که باید اوامرش را گردن نهاد، و از نواهی او دوری گزید، خدایی است که چهره‌ها و جان‌ها را آفرید.»<sup>۴</sup>

نگرشی عمیق و همه جانبه به آیات و روایات، بخوبی این معنا را ثابت می‌کند که حج را ظاهری است و باطنی، آنچه را مردم در ظاهر می‌بینند با حقیقت حج فاصله بسیار دارد و حال آن که خداوند طالب آن حقیقت است: حجی را می‌خواهد که مبرور باشد و حاجی با بازگشت به موطن خویش تحوّل اساسی در روحش پدید آید. حجی را می‌خواهد که مناسک آن، مناسک زندگی صحیح اسلامی باشد. حجی را می‌طلبد که حاجی پس از برگشت، به غیر خدا لبیک نگوید و گرد غیر خدا نگرده. حجی را می‌خواهد که حاجی در آن با شیطان بستیزد و هر آنچه از دنیا نزدش عزیز است در راه خدا قربانی کند و جز خدا چیزی را نبیند و چیزی نخواهد و ...

حج عبادتی خشک و بی‌روح نیست بلکه هر عملی در حج نکته‌ها و معارف فراوان و والایی دارد که هدف اصلی حج را تشکیل می‌دهند.

فضل بن شاذان از هشتمین امام، علی بن موسی الرضا -ع- از علل تشریح حج

می‌پرسد و حضرت پاسخ می‌دهد:

«لعلّة الوفاة الی الله»؛ «حج به سوی خدا رفتن و در پیشگاه باری تعالی حاضر

شدن است.» (کسی که معنای حضور در پیشگاه حقّ داور را بداند و بفهمد، به غیر او

توجه نکرده، خود را به گناه نمی‌آلاید.)

«وطلب الزیادة»؛ «حج زیادت‌طلبی و کمال‌خواهی و از خدا پاداش و ثواب فراوان

خواستن است.»

«والخروج من کلّ ما اقتترف العبد، وتائباً مما مضی، مستأنفاً لما یتقبل»؛ «حج، از

گذشته تاریک و پرگناه خارج شدن و از آنچه در گذشته انجام شده توبه کردن و برای

آینده کار خوب و نیک را از نو آغاز کردن است.»

«مع ما فيه من اخراج الأموال»؛ «حج وسیله‌ای برای) خارج نمودن و جداسازی دارایی‌ها از یکدیگر است؛ خمس و زکات و دیون واجب را پرداختن و حق فقرا و محرومان و دیگر حقوق دینی را ادا کردن است.»

«وتعب الأبدان والاشتغال عن الأهل والولد وحظر الأنفس عن اللذات»؛ «حج بدن را به سختی انداختن، از زن و فرزند دور شدن، و جان را از هواهای نفسانی و شهوات و لذت‌های نامشروع منع کردن و تمرین خودسازی و گناه نکردن است.»

«... مع ما في ذلك لجميع الخلق من المنافع في شرق الأرض وغربها ومن في البر والبحر ممن يحجّ وممن لا يحجّ، من بين تاجرٍ وجالبٍ وبائعٍ ومشتريٍ وكاسبٍ ومسكينٍ ومكابرٍ وفقيرٍ وقضاء حوائج أهل الأطراف في المواضع الممكن لهم الاجتماع فيها.»

«در حج برای تمامی مردم در شرق و غرب زمین و آنانکه در دریا و خشکی بسر می‌برند؛ چه آنها که حج می‌گذارند و چه غیر آنان، از تاجر، وارد کننده، فروشنده و خریدار، کاسب و کرایه دهنده مرکب و فقیر و مسکین، سودمند بوده و نیازهای مردم در اطراف و اکناف زمین را برمی‌آورد.»

«مع ما فيه من التفقه ونقل أخبار الأئمة - عليهم السلام - إلى كل صقعٍ وناحية، كما قال الله تعالى: فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ينفقوها في الدين ... وليشهدوا منافع لهم.»

«علاوه بر آن، حج جایگاه فراگیری فقه و احکام دین، و انتقال و گسترش اخبار پیشوایان - عليهم السلام - به تمامی گوشه و کنار [جهان] است. همانگونه که خداوند فرمود: پس چرا کوچ نمی‌کنند از هر فرقه و ...»<sup>۵</sup>

آن حضرت سپس به برخی از اعمال حج اشاره نموده، نکاتی را در فلسفه هر یک بیان می‌کند و به حاجیان می‌نمایاند که: حج واقعی فراتر از یک سلسله رفتارها و کارهای خشک و بی‌روح است. آنگاه می‌افزاید:

«اگر کسی بگوید: چرا مردم به احرام مأمور شده‌اند؟ پاسخش آن است که: تا (حاجیان) قبل از ورود به حرم خداوند بلند مرتبه، خاشع و خدا ترس شوند و از اشتغال به چیزی از دنیا و زینت‌ها و لذت‌های دنیایی و از هر سرگرمی و هوسرانی خود را دور داشته، با تمام وجود روی بسوی او کنند ...»<sup>۶</sup>

## اسرار حج در نهج البلاغه

علی بن ابیطالب - ع - در نهج البلاغه درباره اسرار و معارف این واجب الهی فرمود:

«خداوند حج را بر شما واجب کرده، آنجا را قبله مردمان ساخت، و آن را برای دینداران نشانه فروتنی در برابر عظمت او و اعتراف به عزت و بزرگواری خداوند قرار داد. و از میان بندگان خود، گوش بفرمانانی را برگزید، که دعوت او را پذیرفته، گفتارش را گوش فرا دادند و بر جایگاه پیامبران ایستادند، و چونان فرشتگانی شدند که بر گرداگرد عرش خدا طواف کردند و در بازار عبادت حق تعالی، سودها برگرفتند... خداوند کعبه را برای اسلام نشان و برای پناه آورندگان به آن، حرم قرار داد. حج‌گزاری را واجب کرد، حق او را به مردم شناساند و زیارتش را بر شما نوشت و فرمود: بر هر کسی که می‌تواند و استطاعت دارد که بر این خانه راه یابد حج واجب است و آن که کفر ورزیده سرباز زند، پس همانا خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.»<sup>۷</sup>

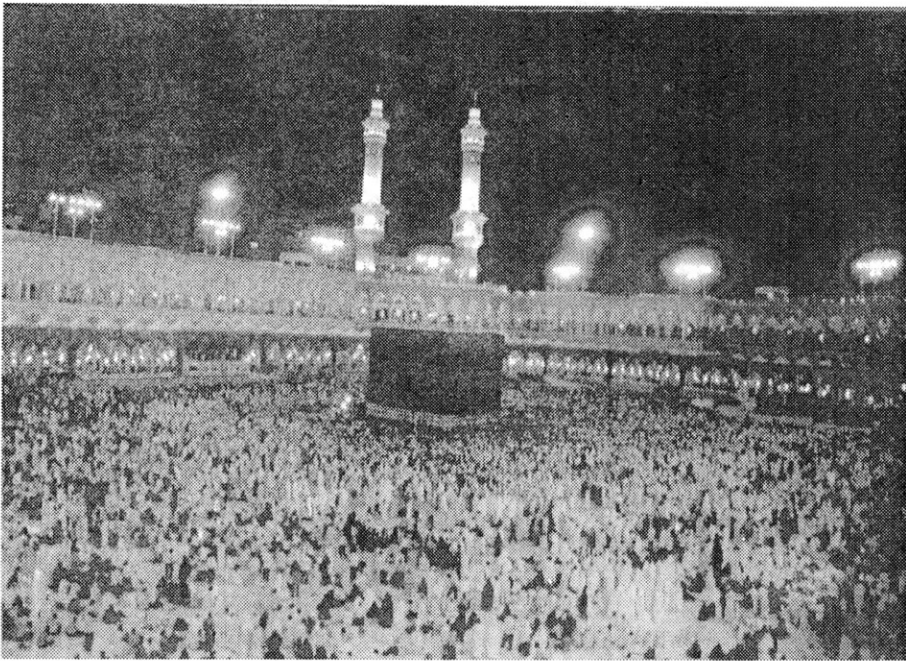
و در خطبه قاصعه فرمود:

«خداوند خانه‌اش را، که وسیله قیام و قوام مردم است، در منطقه‌ای کوهستانی و پر از سنگلاخ و در میان کوههایی سخت و شن‌هایی نرم و چشمه‌هایی کم آب و روستاهایی پراکنده قرار داد و از آدم و فرزندان او خواست تا روی به آن خانه نهند و دل‌های خود را به سوی آن متوجه سازند... تا از روی خواری شانه‌هاشان را جنبانده، گرداگرد آن لا اله الا الله گویند و خاک آلوده و مو پیریشان گام بردارند، لباس‌ها را پشت سر انداخته و از تن بیرون افکنند. با زدن موها، زیبایی خود را از دست دهند و بدینسان در امتحانی بزرگ و آزمایشی سخت و دشوار فرمانبرداران را از نافرمانان جدا سازد.

اگر خدا می‌خواست می‌توانست خانه خود را در بهترین و زیباترین نقطه روی زمین قرار دهد و سنگهای آن را از زمرد سبز و یاقوت سرخ فام بپا سازد؛ لیکن خداوند بندگان خود را با انواع سختی‌ها آزمایش می‌کند و با مجاهدتهای گوناگون به بندگی وامی‌دارد، با دشواریها و ناخوشایندیها آنان را می‌آزماید تا کبر و خودپسندی را از قلوبشان بزدایند و فروتنی را جایگزین آن سازند.»<sup>۸</sup>

نگرشی اینچنین به حج و اعمال آن، در فرموده‌های بسیاری از امامان - علیهم‌السلام - پدیدار است. امام باقر - ع - به هنگام تشریف به حج و پس از ورود به مسجدالحرام، مردمی را دیدند که گرداگرد کعبه طواف می‌کنند، نگاهی به آنان افکنده فرمود: «هکذا یطوفون فی الجاهلیة»؛ «در زمان جاهلیت نیز اینچنین طواف می‌کردند.» (بسان این مردم، هفت بار کعبه را دور

می‌زندند.) سپس فرمود: «به اینان چنین فرمان نداده‌اند، بلکه آنها مأموریت یافته‌اند تا گرداگرد کعبه طواف نموده، سپس بسوی ما بیایند و دوستی و محبت و یاری خویش را به ما عرضه کنند...»<sup>۹</sup> از همین رو فرموده‌اند: «من تمام الحج لقاء الامام»؛ «حج با دیدار امام و رهبری پایان می‌پذیرد.» و حج بدون رهبری و ولایت در واقع حج نیست.



### اسرار حج از زبان امام سجاد - ع -

یکی از گویاترین گفتگوها که به روشنی نشان از مدّعی این نوشتار دارد سخنان امام سجاد - ع - با شبلی است که از سفر حج بازگشته است. امام از او پرسیدند:  
 (آقای شبلی!) آیا حج گزاردی؟ گفت: آری فرزند رسول خدا، فرمود: آیا به میقات فرود آمدی و لباس‌های دوخته خویش را از تن بدر کردی و غسل نمودی؟ شبلی پاسخ گفت: آری.

امام -ع- : آنگاه که به میقات درآمدی نیت کردی که لباس معصیت و نافرمانی را از تن درآورده، و جامه طاعت و فرمانبری خداوند را بجای آن پوشیده‌ای؟  
شبلی: نه.

امام -ع- : هنگامی که لباس‌های دوخته را درآوردی، آیا نیت کردی که خود را از ریا و دورویی و ورود در شبهه‌ها برهنه و دور سازی؟ شبلی: نه.  
امام -ع- : به هنگام غسل کردن، نیت کردی که خود را از اشتباهات و گناهان شستشو دهی؟  
شبلی: نه.

امام -ع- : [پس تو در حقیقت] نه به میقات درآمده‌ای، و نه لباس‌های دوخته را از تن کنده‌ای و نه غسل کرده‌ای !! سپس از او می‌پرسند: آیا خود را تمیز کردی و احرام پوشیدی و پیمان حج بستی؟  
شبلی: آری.

امام -ع- : آیا این نیت را داشتی که خود را با نور توبه خالص پاکیزه می‌سازی؟  
شبلی: نه.

امام -ع- : به هنگام محرم شدن، نیت آن کردی که هر چه را خداوند بر تو روا نداشته، بر خود حرام بداری؟  
شبلی: نه.

امام -ع- : به هنگام بستن پیمان حج، آیا قصد آن کردی که هر پیمان غیر الهی را گشوده‌ای (رها کرده‌ای)؟  
شبلی: نه.

امام -ع- : نه احرام بسته‌ای، نه پاکیزه شده‌ای و نه نیت حج کرده‌ای! آنگاه چنین پرسید: آیا به میقات داخل شدی و دو رکعت نماز احرام بجای آوردی و لبیک گفتی؟  
شبلی: آری.

امام -ع- : به هنگام خواندن دو رکعت نماز (طواف)، نیت آن داشتی که به بهترین کارها و بزرگترین نیکی‌های بندگان (که همان نماز است)، خود را به خدا نزدیک می‌کنی؟ شبلی: نه.

امام -ع- : آنگاه که لبیک گفتی، نیت آن کردی که به هر چه فرمانبرداری محض خداوند است سخن می‌گویی و از هر نافرمانی و معصیتی سکوت می‌کنی؟  
شبلی: نه.

امام -ع- : نه در میقات داخل شده‌ای، نه نماز گزارده‌ای و نه لبیک گفته‌ای! وباز



پرسید: آیا به حرم داخل شدم و کعبه را دیدم و نماز خواندم؟  
شبلی: آری.

امام -ع-: به هنگام ورود به حرم نیت آن کردی که هر غیبت و بدگویی مسلمانی از جامعه اسلامی را بر خود حرام می‌کنی؟  
شبلی: نه.

امام -ع-: به هنگام رسیدن به مکه، نیت کردی که فقط خدا را می‌خواهی [و می‌جویی]؟  
شبلی: نه.

امام -ع-: پس نه به حرم وارد شده‌ای و نه کعبه را دیده‌ای و نه نماز گزارده‌ای! و ادامه داد: گرداگرد خانه خدا طواف کردی؟ و ارکان خانه را لمس نمودی؟ و سعی انجام دادی؟  
شبلی: آری.

امام -ع-: به هنگام سعی، نیت آن داشتی که (از شرّ شیطان و نفس) به خدا پناه می‌بری و او که آگاه به پنهان‌هاست، نسبت به این مسأله داناست؟  
شبلی: نه.

امام -ع-: پس نه طواف خانه کرده‌ای، نه ارکان را لمس نموده‌ای و نه سعی بجا آورده‌ای!  
سپس فرمود: آیا با حجر الاسود دست دادی، کنار مقام ابراهیم ایستادی، و دو رکعت نماز خواندی؟

شبلی: آری.  
در این هنگام امام فریادی برآورد چونانکه گویی نزدیک است از دنیا برود، سپس فرمود: آه، آه ... آنگاه فرمود: کسی که با حجرالاسود دست داده، مصافحه کند، در حقیقت با خداوند متعال دست داده است، پس ای نادار ناتوان بنگر و بیاندیش، و پاداش آنچه را حرمت قائل شده و بزرگ داشته‌ای، ضایع مگردان و همچون معصیت کاران، دستی که به خدا دادی (و پیمانی را که با خدا بست) نگسل و نشکن.<sup>۱۰</sup>

برخی عقیده دارند که حج از دو حرف «حاء» و «جیم» ترکیب شده. «حای» حج اشاره به «حلم حق» و «جیم» آن اشاره به «جرم خلق» است. در صورتی که حج‌گزار حج مبرور و سعی مشکور داشته باشد، خداوند با حلم خود، که بر خشم او برتری دارد (یا من سبقت رحمته غضبه)، جرم بندگان را پوشانده و از آن درخواهد گذشت. حج مبرور نیز آن حجی است که حج

گزار با نیتی پاک و خالص به خانه حق پا گذاشته و خود را از معاصی برهاند و با خدا پیمان بندد که در بازگشت، بکلی از شیطان گسسته، رضای خدا را بجوید و غیر از راه محبوب راهی را نپوید.<sup>۱۱</sup>

### اسرار حج از زبان امام خمینی - قدس سره -

حضرت امام خمینی - قدس سره - نگرشی همچون امامان معصوم - علیهم السلام - به حج داشت و در پیامهایی که به مناسبت مراسم حج صادر کرده، به گوشه‌ای از این راز و رمزها اشارت‌ها داشته، می‌فرمایند:

«لیبک‌های مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت الله تعالی به اسم جامع، جواب می‌دهند. مسأله، مسأله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب. گویی گوینده از خود در این محضر بیخود شده و جواب دعوت را تکرار می‌کند و دنباله آن سلب شریک به معنای مطلق آن می‌نماید که اهل الله می‌دانند نه شریک در الوهیت فقط. گر چه سلب شریک در آن نیز شامل همه مراتب تا فنای عالم در نظر اهل معرفت است و حاوی جمیع فقرات احتیاطی و استجابی است؛ مثل «... الحمد لك والنعمة لك...» و حمد را اختصاص می‌دهد به ذات مقدس، همچنین نعمت را. و نفی شریک می‌کند و این نزد اهل معرفت غایت توحید است و به این معناست که هر حمدی و هر نعمتی که در جهان هستی تحقق یابد، حمد خدا و نعمت خداست، بدون شریک. و در هر موقف و مشعری و وقوف و حرکتی و سکون و عملی این مطلب و مقصد اعلی جاری است و خلاف آن شرک به معنای اعم است که همه ما کوردلان به آن مبتلا هستیم.»<sup>۱۲</sup>

در جای دیگر می‌فرمایند:

«در لیبک، لیبک، «نه» بر همه بت‌ها گویند و فریاد «لا» بر همه طاغوت‌ها و طاغوتچه‌ها کشید و در طواف حرم خدا که نشانه عشق به حق است دل را از دیگران تهی کنی و جان را از خوف غیر حق پاک سازید و به موازات عشق به حق، از بت‌های بزرگ و کوچک و طاغوت‌ها و وابستگانشان برائت جویند، که خدای تعالی و دوستان او از آنان برائت جستند و همه آزادگان جهان از آنان بریء هستند. و در لمس «حجرالاسود» بیعت با خدا بندید که با دشمنان او و رسولانش و صالحان و آزادگان دشمن باشید و به اطاعت و بندگی آنان هر که باشد و هر جا باشد - سر

نهیید و خوف و زبونی را از دل بزدایید ...

و در سعی بین صفا و مروه، با صدق و صفا، سعی در یافتن محبوب کنید که با یافتن او همه بافت‌های دنیای گسسته شود و همه شک‌ها و تردیدها فرو ریزد ... و با حالت شعور و عرفان به مشعرالحرام و عرفات روید و در هر موقف به اطمینان قلب بر وعده‌های حق و حکومت مستضعفان بیافزایید ...

پس به منا روید و آرزوهای حقانی را در آن جا دریابید که آن قربانی نمودن محبوبترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است و بدانید تا از این محبوب‌ها که بالاترینش حب نفس است و حب دنیا تابع آن است نگذرد، به محبوب مطلق نرسید و در این حال است که شیطان را رجم کنید و شیطان از شما بگریزد. و رجم شیطان را در موارد مختلف با دستورهای الهی تکرار کنید که شیطان و شیطان زادگان همه گریزان شوند.<sup>۱۳</sup>

با توجه به آنچه آمد و نیز رازها و رمزهای فراوان نهفته در آیات و روایات، می‌توان اینگونه جمع‌بندی نمود که:

۱ - حج، مظهري از مظاهر توحید است و هدف از تشریح آن، پرستش خدای یگانه، و انجام عمل خالص برای اوست، از این رو در قرآن آمده است:

«و اذ بؤانا لبراهیم مکان البیت أن لا تُشْرک بی شیئاً و طهر بیتی للطائفین والقائمین والزکع السجود»؛<sup>۱۴</sup> «و هنگامی که ابراهیم را در مکان این خانه فرود آورده، جای دادیم [او را فرمان دادیم] که با من چیزی را شریک مدار و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع و سجود کنندگان پاک نمای.»

ابراهیم - ع - نیز در قرآن رمز توحید و شکننده بت‌ها و سمبل مبارزه با شرک معرفی شده است.

۲ - حج پذیرش دعوت خداوند، و پیمودن صراط مستقیم او است و حاجی با اظهار لبیک، پذیرش دعوت خدا را اعلان نموده، خود را به اجرای فرموده‌های الهی مکلف می‌سازد.

۳ - حج پایگاه اعلان مخالفت مسلمانان با جهل و آثار بجای مانده از دوران جاهلیت است. همان کاری که رسول خدا - ص - انجام داد و آن را در خطبه حجة الوداع بیان فرمود.

۴ - حج پیوند جامعه اسلامی در عصر حاضر با صدر اسلام و یادآور خاطرات شکوهمند آن دوران شیرین و سرنوشت ساز است، بخصوص دو شهر مکه و مدینه که وجب به وجب آن

مملو از خاطرات تلخ و شیرین آن روزگار سراسر شرف و فضیلت است.

۵ - حج تجلی بخش برادری، برابری و وحدت اسلامی است و جلوه عینی این حدیث شریف است که: «الناس من آدم و آدم من تراب، لا فضل لعربی علی أَعْجَمی ولا لأَبِیض علی أَسود الا بالتقوی».

۶ - حج مُطَهِّر روح آدمیان است. انسانهای آلوده به عصیان و گناه با حضور در سرزمین وحی، بخصوص عرفات، از گذشته سیاه خود اظهار پشیمانی نموده، خود را از گناه شستشو می‌دهند و تربیت شده به موطن خویش بازمی‌گردند.

۷ - حج جایگاه تربیت انسانها است. حاجیان با ترک زندگی و خانه و کاشانه و زن و فرزند و پذیرش زحمت و رنج، خویشان را از رفاه زدگی و دنیا خواهی، جدا می‌سازند و خود را برای پذیرش سختی‌ها در مسیر تحقق آرمانهای الهی آماده می‌کنند.

۸ - حج یادآور صحنه‌های حضور انسانها در قیامت و صحرای محشر است. لباسی چون کفن مردگان بر تن کرده، در صحرائی به دور از امکانات شهری وقوف می‌نماید و کسی جز خدا فریادرس انسان نیست. در نتیجه می‌تواند گوشه‌ای از هیجان و ترس و اضطراب آنچه را که انسان در آینده با آن روبروست به نمایش بگذارد.

۹ - حج تمرین بریدن از شهوات و گناهان و هواهای نفسانی است. احرام به حاجی می‌آموزد تا از پاره‌های گناهان دوری کند و فرمانبری و دوری از معصیت را تمرین نماید.

خدای در قرآن فرمود:

«الحجّ أشهرُ معلومات فمن فرض فیهنّ الحجّ، فلا رفث ولا فسوق ولا جدال فی الحجّ»؛<sup>۱۵</sup> «حج ماههایی معین است، پس هر کس در این ماه‌ها حج بجای آورد [این را بداند] که آمیزش، زشتکاری و مجادله در حج نیست.»

۱۰ - حج تمرین نظم است. خداوند به حاجی می‌آموزد که حتماً طواف را از حجرالاسود آغاز نماید. با شکل خاصی طواف کند. نماز را پشت مقام ابراهیم بخواند. سعی را حتماً از صفا شروع به مروه ختم نماید و ...

۱۱ - حج گردهمایی همه نیکان و پاکان و کنگره جهانی برای حل مشکلات مسلمانان

است که قرآن فرمود:

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

لِشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»؛<sup>۱۶</sup> «و در میان مردم بانگ حج بردار تا پیاده یا سواره از هر راه دوری بسوی تو آیند [و] در آنجا منابع بسیار برای خود فراهم بینند.»

و بالاخره حج از این راز و رمزها و درسها فراوان دارد. امید آن که تمامی حاجیان با این نگرش به حج بروند و در دریای مَوَاجِ رَحْمَتِ حَقِّ، خود را از گناهان دور سازند و تربیت شده برای ساختن جامعه‌ای اسلامی و نمونه به شهرها و کشورهای خویش بازگردند.

#### ● پی‌نوشتها:

- ۱- وافی، ج ۲، کتاب الحج، باب ابتلاء الخلق واختبارهم بالكعبه، ص ۳۴
- ۲- بحار، ج ۱۰، ص ۲۰۹
- ۳- به تندی راه رفتن.
- ۴- ارشاد مفید، طرف من فضائل ابو عبدالله الصادق - ع -.
- ۵- عیون اخبار الرضا، باب ۳۴، مروی از ابن شاذان؛ با همین مضمون در باب ۳۳ نیز نقل شده است.
- ۶- همان.
- ۷- نهج البلاغه، خ ۱
- ۸- نهج البلاغه، خ ۱۹۲
- ۹- کافی، ج ۱، ص ۳۹۲
- ۱۰- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶
- ۱۱- محمد القاری الهروی المکی، انوار الحجج فی اسرار اللجج، ص ۴۵
- ۱۲- پیام حج مورخ ۶۳/۶/۷ صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۲
- ۱۳- پیام حج مورخ ۶۳/۶/۱۲ صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۸۷
- ۱۴- حج: ۲۵
- ۱۵- بقره: ۱۹۷
- ۱۶- حج: ۲۷

